

## فرهنگ صحیح رانندگی

رانندگی در دنیا یک امر «جمعی» است ولی در ایران یک امر «فردی» تلقی می‌شود. رانندگی در ایران یعنی «می‌خواهم خودم را با خودرو به مقصدم برسانم». پس رانندگان دیگر، «رقیب» من هستند و من نباید از رقبا عقب بمانم... هر فضای خالی که پیدا شد باید زودتر از دیگران آن را پر کنم.

چنین است که رانندگی ایرانی یعنی «چپاندن خودرو یا موتور در اولین فضایی که خالی می‌شود»

رانندگی صحیح «نوعی مشارکت در یک امر جمعی است. این «جریان عبور و مرور» است که راننده را به مقصد می‌رساند نه به اصطلاح «زرنگی» او. «رانندگی صحیح» که نوعی مشارکت در یک امر جمعی است به معنای «هدایت خودرو خود در جای صحیح در بین خودروهای دیگر» است. بنابراین، اینکه خودرو فرد در بین دو خودرو جلویی جا می‌شود یا نه، تأثیری در نحوه رانندگی صحیح ندارد... وقتی در جامعه‌ای این نگرش به رانندگی حاکم باشد، یعنی هر کس قبل از آنکه به رسیدن به مقصدش فکر کند به دنبال مشارکت در حرکت جمعی خودروها باشد، این نظم در عمل چنین خود را نشان می‌دهد:

## مزایای رانندگی اصولی:

۱. سرعت حرکت خودروها چند برابر می‌شود.
۲. احتمال تصادف اتومبیلها به شدت کاهش می‌یابد.
۳. در صورت تصادف، با توجه به مسیر خالی در دو طرف، خودروهای پلیس و آمبولانس به سرعت به محل رسیده راه را باز می‌کنند.
۴. در صورت پنچر شدن یا خرابی یک ماشین، به دلیل وجود فضای کافی راه بندان پدید نمی‌آید.
۵. از همه مهمتر، رانندگان با اعصاب راحت رانندگی می‌کنند. دیگر لازم نیست که آنان در هر لحظه چهار طرف را مراقبت کنند تا مبادا سپر یا آینه اتومبیل کناری به اتومبیلشان برخورد کند یا از عقب کسی به آنها بزنند. ...
۶. همچنین کسی که می‌خواهد در بزرگراه به راست بپیچد از صدها متر جلوتر در مسیر تعیین شده قرار می‌گیرد و خالی بودن باند کناری، او را به قانون شکنی نمی‌کشاند.

## فرهنگ رانندگی در اروپا

ترافیک در همه شهرهای بزرگ دنیا وجود دارد. وقتی بناست چند صد هزار یا چند میلیون نفر در ساعت معینی به سر کار بروند خود به خود ازدحام پدید می‌آید. اما تفاوت ترافیک شهرهای بزرگ دنیا با ترافیک ایران این است که در کلانشهرها ترافیک باعث «تأخیر» است اما در شهری مثل تهران چون رانندگی یک امر فردی است نه جمعی، ترافیک فقط موجب تأخیر نیست، موجب «کلافگی» و «خرد شدن اعصاب» هم هست.